

ضرورت توجه به ابعاد تربیت دینی در نظام تعلیم و تربیت ایران

الهام اشرفی

کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی، آموزگار

لیلا باباذکری

کارشناس ارشد آموزش ابتدایی، آموزگار

چکیده

از بديهيات و مهم ترين واجبات آموزش و پرورش در جامعه ای که خود را داعيه دار پرچم اسلام در جهان می داند، این است که در جهت تحقق و تعالی تربیت دینی دانش آموزان در مقاطع مختلف تحصیلی تلاش مضاعف داشته باشد. براین اساس پژوهش حاضر با هدف ضرورت توجه به ابعاد تربیت دینی در نظام تعلیم و تربیت ایران انجام شده است. این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی صورت پذیرفته است که جهت جمع آوری اطلاعات از تحقیقات داخلی و خارجی صورت گرفته در زمینه لزوم توجه به تربیت دینی در نظام های آموزشی، استفاده شده است. یافته های بیانگر آن هستند که با توجه به جریان غرب زدگی و تهاجم فرهنگی که اکثر جوامع اسلامی را فراگرفته است، تربیت دینی در مدارس با چالش های اساسی مواجه شده است. از این رو لازم است که معلمان نسبت به افزایش سطح توانایی و مهارت علمی خود، متناسب با محتوای دروس بکوشند و با گنجاندن مفاهیم و مضامین دینی و اخلاقی در فرایند حل مسأله، پایه های اعتقادی و اخلاقی دانش آموزان را مبتنی بر ساخت و تحول دینی آنها تحکیم بخشند و در مسیر تربیت و هدایت آنها نقش موثرتری را ایفا نموده و موجب شکوفایی و پرورش خلاقیت و توانمندی های نهفته در حقیقت وجودشان گردند.

واژگان کلیدی: تربیت، تربیت دینی، تهاجم فرهنگی، اخلاق

مقدمه

انسان، موجودی چند بعدی است و تمامی ابعاد وجودی او نیازمند تربیت است. از این رو، تعلیم و تربیت یکی از نیازهای ضروری انسان ها برای قرارگرفتن در مسیر صحیح زندگی و فراهم ساختن فرصت رشد همه جانبه است. تحقق هدف آفرینش انسان تنها در پرتو تعلیم و تربیت میسر است. به این منظور، خداوند متعال انسان را به نیروی عقل و ابزار معرفت تجهیز کرده، پیامبرانی را با دلیل روشن و احکام و قوانین محکم برانگیخت و رسالت تعلیم و تربیت انسان را به آنان سپرد (صالحی و یاراحمدی، ۱۳۸۷).

توجه به ساحت معنوی انسان، به عنوان بعد اصیل و شایان توجه وجودی او، امری است که باید به طور ویژه در تربیت آدمی در نظر گرفته شود. اما مشغولیت های انسان کنونی و نوع تربیت او از سوی نظام های رسمی تعلیم و تربیت، انسان را به سمت دورشدن از حقیقت وجودی خویش سوق داده است. به طوریکه امروزه شاهد وقوع نابسامانی های ناشی از این امر در سطح فردی و اجتماعی هستیم (همتی، ۱۳۹۲).

قلمرو تعلیم و تربیت مهمترین بستری است که می تواند در جهت تحقق یافتن معنویت در زندگی انسان ها نقش بسیار مؤثری ایفا کند. آموزش و پرورش در هر جامعه یکی از نهادهای تأثیرگذاری است که انتظار می رود به طور متوازن به جنبه های مختلف وجودی انسان توجه داشته و زمینه لازم را برای رشد همه جانبه دانش آموزان فراهم سازد. برخلاف این انتظار، اکثر نظام های آموزشی با محدودنگری بر جنبه های شناختی تأکید کرده، سایر ابعاد وجودی انسان را نادیده گرفته و یا کمتر به آنها پرداخته اند (آقایی، ۱۳۹۲).

تربیت بنابه ماهیت تعالی جوی انسان، فرایندی ارزشگر محسوب می شود و شناسایی و شکوفایی همه جانبه استعدادها از سویی و تطابق آنها با هنجارها و ارزش های انسانی از سوی دیگر، تربیت را چه در محتوا و چه در اصول و روش های آن به فراسوی مبانی ارزشی هدایت کرده است. در این راستا، بسترهای تربیتی خانواده و مدرسه و همه کنشگران آن در فرایندی پویا و ارزشمدار، نقش دارند و تعامل های آنها علاوه بر اثرپذیری از هنجارهای ارزشی خود، متأثر از مداخلات دیگری است. با این وصف، دستاوردهای تربیتی خانواده و مدرسه نیز بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند و همایندی یا تعارض میان آنها تعیین کننده موفقیت یا شکست کوشش هایشان خواهد بود. این موضوع به ویژه درباره تربیت دینی که متکی بر هنجارها و ارزش های دینی است، اهمیت فراوان دارد. ارزش ها و معیارهای خانواده و مدرسه، تبادل هایی همسو یا متعارض با یکدیگر دارند و از این طریق، تربیت دینی دانش آموزان در وضعیتی پیچیده قرار می گیرد؛ زیرا هدف از تربیت دینی صرفاً انتقال دادن برخی گزاره ها و آموزه های دینی به افراد نیست؛ بلکه در اینگونه تربیت برای تحقق بخشیدن نظام تربیتی اسلام به منظور ساختن و پرداختن انسان تلاش می شود تا رشد همه جانبه وی در ابعاد جسمانی، عقلانی و روانی محقق شود (رحمان پور و بختیار نصرآبادی، ۱۳۹۰).

تربیت همواره از مهم ترین دغدغه های مصلحان و متفکران بوده است. در سند تحول آموزش و پرورش ایران تربیت عبارت است از: فرایند تعاملی زمینه ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت متربیان به صورت یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی به منظور هدایت ایشان در مسیر آماده شدن جهت تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ی ابعاد. تربیت دینی را می توان فعالیت های نظاممند و برنامه ریزی شده نهادهای آموزشی جامعه به منظور آموزش بینش، منش و قالب های دینی به افراد به گونه ای که در عمل نیز به آنها پایبند باشند (داوودی، ۱۳۸۴).

انسان شایستگی رسیدن به همه ی کمالات الهی را دارد و آفریده شده تا خلیفه ی خداوند بر روی زمین شود. برای رسیدن انسان به چنین مقامی نیاز است تا در مسیر دین قدم بردارد و در جهت آن رشد کند. در این راه افراد و گروه های مختلفی با انسان همراه هستند و می توانند به عنوان راهنما، او را در مسیر دین تربیت کنند و به بالا ببرند یا در مسیر غیر دینی او را از مقصد دورتر کنند.

مدرسه یکی از این عوامل است که قرار است در این مقاله نقش آن در تربیت دینی دانش آموزان بررسی شود (امینی، ۱۳۸۶). تربیت دینی به منزله ی یکی از مهم ترین انواع و بلکه بهترین نوع تربیت، دربرگیرنده ی همه ی انواع دیگر تربیت نیز است. با توجه به مجموع تعاریف به عمل آمده از تربیت اسلامی می توان اینگونه استناد کرد که تربیت اسلامی شکوفاسازی و به فعلیت رساندن جمیع استعدادها در جنبه های گوناگون شخصیتی یعنی ابعاد جسمانی، عقلانی، اجتماعی، عاطفی، اخلاقی است. این شکوفاسازی با موازین و ضوابط الهی میسر است و ازاینرو خلاف چنین ضوابطی شکوفاسازی محسوب نمی شود و بنابراین تربیت هم قلمداد نمی شود. لذا تربیت دینی که از وظایف آموزش و پرورش کشورها است، می بایست شخصیت دانش آموز را در سه حیطه ی شناختی، عاطفی، عملی با توجه به رویکرد عقلانی، عاطفی رشد دهد (فینبرگ، ۲۰۰۸).

تربیت دینی، در دایره المعارف بین المللی تربیت اینگونه تعریف شده است: تدریس منظم و برنامه ریزی شده که هدف از آن دستیابی فرد به اعتقاداتی درباره وجود خداوند، حقیقت جهان هستی و زندگی و ارتباط انسان با پروردگارش و انسان های دیگری است که با او زندگی می کنند و بلکه همه آحاد بشر (سعید، ۱۳۸۰).

تعلیم و تربیت در زندگی بشر، مهم ترین و اساسی ترین جنبه زندگی است. به طوری که هرگونه انحراف در آن، باعث انحراف در سایر امور زندگی می شود. توانایی های انسان در زندگی، بروز و ظهور پیدا می کند و انسانیت انسان تحقق می یابد. در اسلام به این موضوع مهم، توجه بسیار شده و قواعد مناسبی برای رشد انسان تعیین شده است. هدف غایی در تربیت اسلامی، پرورش انسان مقرب الهی است که شاکله ی دینی در وجود او به طور کامل شکل بگیرد و رفتارهای دینی ریشه دارتر از او سر بزند (باقری، ۱۳۹۰).

تعلیم و تربیت دینی به معنای آموزش عقاید، آداب و اخلاق و احکام دینی باید منجر به تربیت اخلاقی شود و همچنین موجب فراهم آوردن فرصت های تجربه ی دینی شود. تجربه ای که به شکل گیری گونه هایی از احساسات شخصی در مواجهه با امور معنوی منجر می شود. تربیت دینی و اخلاقی و همچنین تربیت اجتماعی جوانان و نوجوانان از مهم ترین اهداف و آرمان های خانواده و همچنین از مهم ترین اولویت های نظام تعلیم و تربیت است؛ اما باید توجه داشت که تربیت اجتماعی خود تحت الشعاع تربیت دینی و اخلاقی نسل جوان است؛ زیرا فردی که دارای تربیت اخلاقی و دینی باشد، مسلماً نسبت به ارزش ها و هنجارهای اجتماعی نیز پایبندی لازم را خواهد داشت و در آن هنگام می توان به کاهش نابسامانی ها و ناهنجاری های اجتماعی نیز امید بست. ازاین رو هرگونه تحقیق و تلاش در جهت تربیت دینی و اخلاقی نسل نو به طور مستقیم بر تربیت اجتماعی آن نیز تأثیرگذار خواهد بود (چراغ چشم، ۱۳۸۶).
براین اساس تحقیق حاضر در پی آن است که روشن کند تربیت دینی و لزوم توجه به آن در نظام آموزشی ایران چه ضرورتی دارد؟

روش پژوهشی

روش پژوهش حاضر توصیفی تحلیلی می باشد که در زمینه گردآوری اطلاعات و دستیابی به یافته های تحقیق از نتایج و تحقیقات علمی صورت گرفته در زمینه تربیت دینی و میزان توجه نظام های آموزشی دنیا به این پدیده مهم، استفاده شده است. در دنیای امروزه، تربیت دینی امری ضروری می باشد تا دانش آموزان و فراگیران از آسیب های موجود در جهان کنونی مصون باشند، با این وجود این پدیده آنطور که باید مورد توجه نظام های آموزشی در کشورهای اسلامی قرار نگرفته است. لذا تحقیق حاضر انجام شده است تا اهمیت و جایگاه تربیت دینی در آموزش را مشخص کند و از این طریق راهکارهایی را برای توجه هرچه بیشتر به این پدیده مهم ارائه دهد.

لزوم توجه به تربیت دینی

امروزه، چهل آموزش معنوی منجر به بهره کشی و استثمار، فساد، تجاوز، کشتار، فاجعه، خودخواهی و نفرت شده است. به شکلی که انسان در هزاره سوم، با بحران های بزرگی روبه رو شده اند. علاوه بر بحران های خارجی، مردم در داخل نیز درگیر بحران هایی هستند که به مراتب قوی تر، پیچیده تر و فاجعه بارتر است؛ مانند بحران در حفظ هویت، ارزش ها، انتخاب هدف، حفظ تمامیت خود، دانش دینی و فهم دینی، تفکر انتقادی و استدلال و درنهایت بحران در ایمان و اخلاق انسانی (سلیمان پور، ۲۰۱۴). از آنجا که نظام تربیتی غرب براساس نوعی جهان بینی و فلسفه خاص حاکم بر آن شکل گرفته است، نمیتواند با اصول و مبانی جامعه اسلامی هماهنگی داشته باشد بر همین اساس، تبیین مبانی، اهداف، اصول و روشهای تعلیم و تربیت اسلامی با استفاده از منابع اسلامی بسیار لازم و ضروری است (شکریان، ۱۳۸۷).

زیرا تربیتی که بر پایه تعالیم درست دینی صورت گیرد و سمت و سوی الهی و متعالی داشته باشد، به یقین تأثیرگذار و نقش آفرین خواهد بود و هنگامی که در پرتو تربیت معنوی، رابطه انسان نسبت به معبود خود، در مسیر درست قرار گیرد و زندگی او رنگ و بوی الهی یابد، تربیت واقعی صورت گرفته و انسان توانسته است گام های بلندی بردارد (انتظامی بیان و احقر، ۱۳۹۴).

تربیت معنوی در بعد شناختی بر بینش ها، در بعد عاطفی بر گرایش ها و در بعد عملی بر فعالیت های خاص استوار است و در همه ابعاد زندگی انسان تأثیر میگذارد. از این رو، به نظر می رسد به لحاظ گفتمان عصر معنویت گرایی، مفهوم تربیت معنوی، بیش از سایر عناوین تربیت مدنظر قرار گیرد و در قالب تربیت دینی بیشتر نمود پیدا کند (مرادی و همکاران، ۱۳۹۳).

تربیت دینی انسان با توجه به ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری اش میسر است. با توجه به بعد شناختی می توان به آموزش افراد پرداخت و اطلاعات و آگاهی های آنان را در رابطه با اصول اعتقادی، اخلاقی و احکام و کلیات قواعد آنها بالا برد. شناخت نیز دارای مراحل و درجاتی است. حفظ کردن معارف دینی به تربیت دینی منجر نمی شود؛ آنچه در مراحل اولیه مهم است، فهم معارف و توانایی کاربرد عملی آنها در زندگی است. با توجه به بعد عاطفی می توان با برانگیختن احساسات و عواطف افراد، انگیزه ی عمل را در آنان ایجاد کرد. آنگاه بعد رفتاری خود را نشان می دهد و فرد در میدان عمل فضایل اخلاقی را در خود پرورش داده و به احکام دین پایبند می شود. اینجاست که به غایت کمال خود رسیده و بندگی مطیع پروردگار میشود که این همان هدف تربیت دینی است (حاجیان، ۱۳۹۰).

از دیدگاه علامه طباطبایی، تربیت معنوی در جهت دهی به فرایند تجرد نفس و متناسب با فطرت ربوبی او معنا می یابد که در پی تقویت میل، تفصیل معرفت و انجام عمل متناسب با آن است. بدین روی، اهداف تربیت معنوی دارای سه جنبه شناختی، گرایشی و عملی است (اشعری و همکاران، ۱۳۹۱).

جباری (۱۳۹۵) در پژوهش خود دریافت که سکولاریسم و برخی تبعات آن مانند تربیت سکولار، ریشه در فرهنگ مغرب زمین دارند. اساساً تربیت سکولار بر آموزش و گسترش علوم تأکید دارد و در برنامه های درسی خود، آموزش تعالیم دینی را نمی گنجاند. برعکس تربیت دینی در کشورهای اسلامی، به ویژه کشور ما ریشه های عمیق دارد و بین آموزش تعالیم دینی و علوم گوناگون مغایرتی نمی بیند.

شاملی (۱۳۸۳) تربیت دینی عبارت است از این که برای متربی امکاناتی فراهم کنیم، آگاهی ها و اطلاعاتی به او بدهیم که با پای خود در مسیر شکوفایی دینی جلو برود. به زعم ایشان دین عبارت از یک نظام یا مجموعه ای متشکل از زیر مجموعه باورداشت ها، ارزش ها و احکام. به منظور مومن سازی هر شخص؛ در ساختار آموزش هایی که از طریق وحی صورت می گیرد، این نقشی است که

ما به تربیت دینی می دهیم.

شکوهی یکتا (۱۳۷۳) در تعریف از تربیت دینی، آن را شامل مجموعه ای از اقدامات و تدابیر نشأت گرفته از منبع وحی می داند، که بر اساس آن از یک سو نظام حیات فردی و اجتماعی در دنیا سر و سامان پیدا می کند و از سوی دیگر تأمین کننده سعادت فرد در دو جهان قلمداد می شود.

ارتباط دین و تربیت همواره مورد توجه اندیشمندان تربیتی بوده است. نگاه دینی و حاکمیتی به تربیت، نوعی آرمان خواهی مکاتب تربیتی در قرون گذشته و یک شاخصه ی غیرقابل تردید بوده، تا جایی که تقابلی میان این دو احساس نمی شده است. اما پس از خیزش انسان به سوی علم تجربی و وانهادن جانب دین بر اثر غروری هدفمند اما منحرف، تقابل جدی احساس شد؛ تا جایی که بسیاری از مکاتب تربیتی و رویکردهای موجود، پس از رنسانس و در حدود نیمه های قرن اخیر، بحث از دخالت دین در تربیت و ارتباط آن دو با یکدیگر را به عنوان یک امر حاشیه ای تلقی کردند. بازنگری آموزه های دینی و بازخوانی مجدد آن مطابق با نیاز توسعه جهان امروز از یک طرف و گرایش انسان دردمند از دستاوردهای فرهنگی فناوری و دلبستگی های دینی و آرمانی از طرف دیگر، موجبات رونق دوباره این بحث را فراهم کرده است (مشایخی راد، ۱۳۷۸).

به رغم گونه های متفاوت و فراوان رویارویی با معنویت، می توان دو جهت گیری کلی را در آنها از یکدیگر تمییز داد: جهتگیری دینی و جهتگیری فارغ از دین. این دو گونه جهتگیری نسبت به معنویت را نمی توان منطبق بر یکدیگر تلقی کرد و هریک از جهتگیری های دوگانه (دینی و فارغ از دین) نسبت به مسئله معنویت، اساساً مفروضه ها و اهداف متفاوتی دارند. باید توجه جدی کرد که بازگشت به معنویت که امروزه در مغرب زمین شایع شده است، جهتگیری و پیامی متفاوت از دینداری و تربیت دینی دارد و بنابراین فرایند و پیامدهای تربیتی آن نیز متفاوت از تلقی معنویت با جهتگیری دینی است (باغلی و همکاران، ۱۳۹۲).

برای تعلیم و تربیت صحیح، باید بین هدف ها، محتوا و روش های تربیت، وحدت و هماهنگی وجود داشته باشد. به عبارت دیگر، خانواده زمانی می تواند با مدرسه وحدت داشته باشد که خود از صفت «وحدت درون»، برخوردار باشد. خانواده ای که در آن «مشارکت درونی» وجود ندارد، نخواهد توانست در مشارکت بیرونی با مدرسه انجام وظیفه کند. مدرسه نیز نیازمند چنین نظام درونی است. عوامل درون مدرسه اعم از مدیر، معاون، مربی پرورشی و معلم باید با یکدیگر ارتباط مؤثر و معناداری داشته باشند و در اداره ی امور آنجا مشارکت نمایند تا قابلیت لازم را برای مشارکت با خانه، به منظور دستیابی به هدف های تربیتی به دست آورند. همانطور که خانواده ای از هم گسیخته قادر به ارتباط مؤثر با مدرسه نیست، مدرسه ای از هم گسیخته نیز نمی تواند به نحو مؤثر و مطلوب با والدین دانش آموزان مرتبط باشد (ملکی، ۱۳۸۹).

در مدرسه عوامل مختلفی در امر تربیت مؤثرند از قبیل برنامه های درسی، مواد آموزشی، سازمان مدرسه وامکانات آموزشی آن، ولی هیچ یک از اینها به اندازه ی معلم چه به لحاظ آموزشی وجه تربیتی اهمیت ندارند زیرا این معلم است که به همه آن عوامل جان می بخشد و آنها را سودمند و نتیجه بخش می گرداند. فرهنگ جامعه را حفظ می کند و تکامل می بخشد (طاهری، ۱۳۹۱). به بیان دیگر سعادت هر جامعه بستگی به وجود معلمان موفق، مقبول و با صلاحیت دارد. به همان اندازه که دانش و تجربیات و مهارت های آموزشی معلم در یادگیری و افزایش معلومات دانش آموزان مؤثر است منش او نیز بر رفتار دانش آموز تأثیر می گذارد.

در بررسی نقش مدرسه در تربیت دینی باید توجه داشت که مدرسه دارای اجزائی است که هر یک تأثیراتی خاص بر نوع رفتارها، نگرش ها، باورها و شناخت های دینی دانش آموزان دارند. در محیط مدرسه، نه تنها معلم و مربی در تربیت دانش آموز مؤثرند، بلکه

سایر کارمندان و مسئولان و فضای آموزشی نیز بر ابعاد تربیتی او تأثیر می گذارند (سهرابی، ۱۳۷۹). هیلمن (۱۳۸۴) معتقد است که آموزش های دینی که در مدارس و توسط معلمان داده می شود، از اهمیت بالایی برخوردارند، چراکه اگر آنچه معلم می گوید، با آنچه که در خانواده حاکم است، متناقض باشد، دانش آموز دچار تناقض شده و یک تجربه دینی منفی

کسب می کند. موفقیت در پرورش دادن انسانی دیندار در اثر ارتباط تنگاتنگ میان دو خرده نظام خانه و مدرسه، نتیجه بهتری دارد و تعارض ارزش ها موجب شکل گیری شخصیت دوگانه در فرد می شود. این دوگانگی ها به ویژه در نسل جوان، فشارهای عصبی را به دنبال دارد که بازتاب آن در روابط اجتماعی، بسیار روشن است (افشارمنش، ۱۳۹۷).

برخی دیگر لزوم اعطاء نقشی مناسب به دین و قبول تأثیرگذاری آن را در نظام تعلیم و تربیت پذیرفته اند. اما نحوه و میزان تأثیرگذاری و حضور دین در گستره تربیت انسان وابسته به نوع نگاه آنها به انسان و دین است. گروهی با تأکید بر مقوله های دینی درصدد ارائه ی چهره های دینی از تمام موضوعات مربوط به انسان هستند، آن ها حتی معتقد به دینی کردن بسیاری از علوم که ماهیتی غیر دینی دارند، می باشند. این که چگونه این اعتقاد شکل می گیرد و پایه های توجیهی خود را مستحکم می کند امری در خور بحث مفصل و خارج از حوصله این جستار است. امروزه بسیاری از صاحب نظران در امر تعلیم و تربیت، دین و مسائل اجتماعی قائل به نوعی اثربخشی دین در تعلیم و تربیت و لزوم حضور چهره ای مناسب از آن در سطح مدارس هستند (ظاهری راد، ۱۳۸۰).

اسمیت و دنتون (۲۰۰۹) در بررسی های خود دریافتند دینداری والدین و عمل دینی آنها به بیشترین میزان بر دینداری نوجوانان و مشارکت دینی شان، به ویژه در خانواده هایی با والدین مذهبی اثر می گذارد. سبک تربیتی خانواده، الگوهای نقش و هنجارهای خانواده، نخستین شبکه ارتباطی فرد را پایه ریزی و در پیچه روابط او با دیگران را طراحی می کند. جامعه پذیری از خانواده آغاز می شود و سرمایه فرهنگی خانواده، عامل مهم آن است؛ اما علاوه بر آن، والدین با قراردادن فرزندان خود در حوزه های خاص اجتماعی و اقتصادی، ارزش ها و باورهای معین را در آنها ایجاد می کنند.

باغلی، شعبانی ورکی، نهاوندی و غفاری (۱۳۹۴) نیز در پژوهشی تحت عنوان "تحلیل و نقد رویکردهای تربیت معنوی نوپدید" نشان دادند که معنویت های نوپدید، به رغم اثرگذاری های مقطعی و موضعی، به دلیل برخوردار نبودن از ساختار متناسب با شرایط وجودی انسان و نیز ضعف در روش های پیشنهادی برای تحقق اهداف خود در درازمدت با دشواری مواجه هستند.

نتیجه ی تحقیق تقوی نسب؛ میرشاه جعفری و نجفی (۱۳۸۸) که با عنوان ضرورت نوآوری در روش های تربیت دینی از منظر مبانی علمی، دینی و فلسفی انجام شده حاکی از آن است که؛ در جامعه معاصر، فرایند تربیت دینی نیز باید همگام و متناسب با تغییرات روز پیش رود تا بتواند جوابگوی نیاز مخاطبان خود باشد. این امر، بازنگری، تجدید نظر و نوآوری در شیوه ها و روش های تربیت دینی را ضروری می نماید.

تربیت دینی، ناظر به ساخت نظام ارزشی باورهای متکی بر اصول و انگاره های مذهبی است و در این راستا باید به عوامل اجتماعی و فردی تعیین کننده در ساخت باورها توجه کرد. در این میان برنامه درسی معمولاً شناخت ها، دانش ها، نگرش ها، ارزش ها و رفتارهای ویژه را به دانش آموزان القاء می کند. اگر در برنامه درسی مدارس آموزش های دینی جایی نداشته باشد و تنها به تربیت علمی و حرفه ای دانش آموزان توجه شود، این تصور به دانش آموزان القاء می شود که دین و آموزه های دینی حتی به اندازه حرفه هایی مانند نجاری و بنایی ارزش ندارد. از سوی دیگر ممکن است مدارس به تربیت دینی بپردازند، ولی اولاً برخی ابعاد دین را آموزش می دهند و ثانیاً: تربیت دینی را به چشم امری فرعی و کم اهمیت بنگرند. در این صورت، این تصور در دانش آموزان ایجاد

می شود که این امری بسیار کم اهمیت است و تنها برای رفع تکلیف باید به آن پرداخت (داودی، ۱۳۸۹). هدف نیز تعیین کننده جهت و مقصد حرکت است و برای مصون ماندن از انحراف در مسیر باید از پیش به دقت معلوم باشد. مقصود از هدف در تعلیم و تربیت، نتیجه ای است که با انجام دادن رفتارهای مشخص و برنامه ریزی شده، حصول آن از دیدگاه صاحب نظران و برنامه ریزان و نه لزوماً از دیدگاه خود متعلمان و متربیان، مطلوب است، یعنی آنچه شایسته است که به عنوان امر مطلوب در برنامه های تعلیمی و تربیتی، در نظر گرفته شود و همه رفتارها و فعالیت های تعلیمی و تربیتی یا دست های از آنها برای

دستیابی به آن صورت گیرد (مصباح یزدی، ۱۳۹۰). محتوای کتاب درسی به عنوان اصلی ترین عامل برنامه تربیت دینی، نقش بسیار زیاد در آموزش مستقیم مفاهیم، اصول و نگرش ها را در هر ماده درسی بر عهده دارد. کتاب درسی یا محتوا در نظام های آموزشی، سند مکتوب و مدون تعلیم و تربیت به شمار می رود که فعالیت ها و تجربه یادگیرندگان بر محور آن سازماندهی می شود (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر در تحقق پذیری تربیت دینی دانش آموزان می تواند چالش های پیشرو در تربیت دینی دانش آموزان را برطرف، و راهکارهای مناسبی در جهت تربیت دینی دانش آموزان ارائه کند.

نتیجه گیری

از میان ابعاد مختلف تربیت، تربیت دینی از اهمیت و نقش کلیدی در رشد شخصیت دانش آموزان برخوردار است. به عبارتی تربیت دینی جامع ترین بعد تربیتی محسوب می شود. تربیت دینی یعنی فعالیت های منظم و منطقی جهت تربیت ابعاد وجودی انسان در قالب دین به گونه ای که مرتبی به اصول عقاید، اخلاق و احکام شناخت و ایمان پیدا کند و این شناخت منجر به عمل پایدار در او شود. در این صورت به هدف تربیت دینی یعنی عبادت و بندگی خداوند خواهد رسید. انسان دارای ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری می باشد. برای تربیت صحیح لازم است به این ابعاد توجه شود تا امر تربیت آسانتر و نتیجه، قطعی تر باشد. در مقابل سکولارها هم در حوزه اخلاق و هم در حوزه معرفت شناسی قائل به نسبی گرایی هستند. درحالی که در آموزه های دینی و الهی یکسری اصول و پیامدهای جاودان، هم در حوزه اخلاق و هم در حوزه معرفت وجود دارد. در «اخلاق» قرآن اصالت با انگیزه های معنوی است و ذات پاک خداوند محور اصلی شمرده می شود و قرآن رفتار اخلاقی را زاینده ایمان به خدا و روز قیامت می داند. اما در اخلاق سکولار آنچه مهم است، نتیجه است و لذت و منفعت دنیایی و کاری به انگیزه و جلب رضایت خداوند و نتیجه آن که عدالت خواهی و حق گرایی است، ندارد. همچنین، سکولارها احکام عملی را جدا از فطرت و جان آدمی و نوعی تحمیل بر انسان قلمداد نموده و به این دلیل آن را رد می کنند. درحالی که در دیدگاه دینی باید و نیاید های عملی حرکت انسان را به سوی کمال و سعادت جهت می دهد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که تعامل خانه و مدرسه از طریق افزایش کمیت و کیفیت ارتباطات، آگاه سازی والدین از شیوه های درست تربیتی و اهداف و روش های مدرسه می تواند به هماهنگی بهتر خانه و مدرسه بینجامد. از سوی دیگر، ارتباط والدین با مدرسه و متذکر شدن ویژگی های شخصیتی دانش آموز، همکاری برای حل مشکلات او با مدرسه و تعامل با معلمان، در شناساندن بهتر دانش آموز به مدرسه، و همایندی تربیتی خانه و مدرسه اثر مثبت خواهد داشت و همایندی خانه و مدرسه، خود به موفقیت هردو نهاد و بهزیستی دانش آموز می انجامد. معلم، کتب درسی و گروه دوستان و هم کلاسی ها می توانند باعث دین گرایی دانش آموزان شوند. در بررسی آسیب شناسی تربیت دینی لازم است به عوامل مؤثر بر تربیت توجه شود. خانواده پایه های تربیت را در کودک می سازد. ارزش های خانواده و راهکارهایی که خانواده در تربیت دینی دانش آموزان استفاده می کند، در صورتی که صحیح،

با رعایت اصول و مطابق با آموزه های دین باشد، منجر به تربیت دینی و در غیر این صورت، غیر مفید است. اعتقادات خشک و بی منطق پدر و مادر نمی تواند نسل جدید را که در دنیای پر از شبهات و حمله ی انواع گروه های ضد دین قرار دارند، قانع کند. بنابراین او به سراغ منابع دیگری میرود تا خلأ خود را پر کند و جواب سؤالاتش را بگیرد. اگر خانواده فرزندان را به شیوه ی غیر دینی تربیت کند، با آموزه های دینی که احیاناً از طرف مدرسه به آنان القا می شود، در تعارض خواهد بود و دانش آموز دچار سردرگمی می شود.

پیشنهادهات

- پیشنهاد می شود بیشتر به عمق بخشی به مباحث اعتقادی و رفتاری پرداخته و نیز دامنه ی گسترده تری از واجبات و محرمات آموزش داده شود. تکرار مکررات، سبب دلزدگی دانش آموزان و دوری آنان از دین می شود. همایندی خانه و مدرسه، نقشی بسیار مهم در رشد و بالندگی دانش آموزان دارد.
- برگزاری جلسات انجمن اولیاء و مربیان و دعوت از مشاوران مجرب برای آموزش چگونگی تربیت دینی به خانواده ها و نظارت بر اخلاق، رفتار و شیوه ی آموزش معلمان و برگزاری جلسات با آنان جهت یادآوری، تذکر و بررسی عملکرد آنان.
- نظارت بر رفت و آمد فرزندان و دوستان آنها و جلوگیری از رفت آمد با افراد ناشایست و همراهی با فرزندان برای شرکت در مراسم مذهبی، روضه ها و جلسات دینی
- استفاده از نظرات دانش آموزان در تدوین کتب درسی و توجه به ابعاد وجودی انسان و ارائه ی تربیت اعتقادی، اخلاقی و عبادی متناسب با این ابعاد در کتب دینی و غیر آن و استفاده از لحن روان، تمثیل، الگو و داستان های واقعی.

منابع

۱. اشعری، زهرا؛ باقری، خسرو و حسینی، افضل السادات (۱۳۹۱). بررسی مفهوم، اصول و روش های تربیت معنوی از دیدگاه علامه طباطبایی، دوفصلنامه علمی - پژوهشی تربیت اسلامی، ۷ (۱۵)، ۸۹-۱۱۲.
۲. افشارمنش، محمود (۱۳۹۷). موانع و تهدیدهای فراروی همکاری خانواده و مدرسه برای ارتقای تربیت دینی دانش آموزان دوره ابتدایی از نظر کارشناسان تربیت دینی. معرفت، ۲۵۴، ۷۱-۱۰۱.
۳. آقایی، سیده الهام (۱۳۹۱). شناسایی مؤلفه های تربیت زیباییشناختی در برنامه های درسی برمبنای آموزه های اسلامی، پایاننامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق (پردیس خاوران)، تهران.
۴. امینی، ابراهیم (۱۳۸۶). اسلام و تعلیم و تربیت. ویرایش دوم، قم: مؤسسه بوستان کتاب، چاپ دوم.
۵. انتظامی بیان، نرگس و احقر، قدسی ۱۳۹۴). تبیین ماهیت تربیت معنوی و راهبردهای تحقق آن در آموزه های قرآنی، اسلام و پژوهش های تربیتی، ۱ (۱۳)، ۷۱-۵۱.
۶. باغلی، حسین؛ شعبانی ورکی، بختیار؛ غفاری، ابوالفضل و نهاوندی، علی (۱۳۹۲). نقد مفهوم معنویت در تربیت معنوی معاصر، معنویت دینی و نوپدید (تشابه ذاتی یا اشتراک لفظی)، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۰ (۶)، ۸۹-۱۱۵.
۷. چراغ چشم، عباس (۱۳۸۶). آسیب شناسی تربیت دینی در مدارس. فصلنامه کتاب نقد ۴۲، ۱۵۸-۱۶۶.
۸. حاجیانی، ابراهیم (۱۳۷۹). تحلیل جامعه شناختی هویت ملی دایران و طرح چند فرضیه، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم شماره ۱.
۹. داودی، محمد (۱۳۸۸). تأملی در هدف تربیت اعتقادی. دوفصلنامه علمی پژوهشی تربیت اسلامی، سال چهارم شماره ۹.
۱۰. داوودی، محمد (۱۳۸۴). نقش معلم در تربیت دینی. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۱۱. رحمان پور، محمد؛ و بختیار نصرآبادی، حسنعلی (۱۳۹۰). بازاندیشی در معنا، جایگاه، چالش ها و آثار عادت دادن در فرایند تربیت اسلامی. معرفت، ۱۴ (۱۶۰)، ۷۲-۵۹.
۱۲. سعید، اسماعیل علی (۱۳۸۰). تربیت دینی. در: مجموعه مقالات تعلیم و تربیت دینی. ترجمه شهاب الدین مشایخی راد. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۳. سهرابی، فرامرز (۱۳۷۹). بررسی اختلالات رفتار نوجوانان شاهد محروم از والدین. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۱۴. شاملی، عباس علی و رهنمایی، سیداحمد (۱۳۸۳). میزگرد تعلیم و تربیت دینی. مجله معرفت، شماره ۳۲، ۱۸-۹.
۱۵. شکوهی، غلامحسین (۱۳۷۳). تعلیم و تربیت و مراحل آن. مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۶. شکریان، مریم (۱۳۸۸). مبانی تعلیم و تربیت از دیدگاه دو مفسر بزرگ معاصر، مجله کوثر، ۳۰، ۲۴-۳۹.
۱۷. شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۹۰). مبانی تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران. تهران: دفتر نشر پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.
۱۸. صادقی، منصوره سادات (۱۳۸۴). بررسی رابطه بین روش تربیت دینی با تصور از خدا در دانشجویان. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۱۹. صالحی، اکبر و یاراحمدی، مصطفی (۱۳۸۸). تبیین تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه علامه طباطبایی با تأکید بر هدف ها و روش های تربیتی، دو فصلنامه علمی - تخصصی تربیت اسلامی، ۳ (۷)، ۵۰-۲۳.
۲۰. ظاهری راد، جعفر (۱۳۹۰). بررسی تحلیلی تربیت دینی و چالش های پیش رو با تأکید بر آموزه های اسلامی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران
۲۱. مشایخی راد، شهاب الدین (۱۳۷۸). دین و تربیت. حوزه و دانشگاه، ۱۹.
۲۲. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۰). فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی. گروهی از نویسندگان. تهران: انتشارات مدرسه.
۲۳. ملکی، حسن (۱۳۸۹). ارتباط خانه و مدرسه در دوره ابتدائی. تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.



۲۴. همتی، فاطمه (۱۳۹۲). تربیت معنوی و کارکردهای تربیتی آن در تعلیم و تربیت، چهارمین همایش انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران (مبانی فلسفی تحول در نظام آموزشپرورش ایران)، دانشگاه فردوسی مشهد.

25. Feinberg, M. (2008). *Classification as communication: Properties and design*. A dissertation submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy. Washington: University of Washington.

26. Smith, C.; and Denton, M. L. (2009). *Soul Searching: The Religious and Spiritual Lives of American Teenagers*. Oxford University Press.

The need to pay attention to the dimensions of religious education in Iran's education system

Elham Ashrafi

Senior expert in curriculum planning, teacher

Leila Baba Zakari

Senior expert in elementary education, teacher

1-1-

Abstract - ۲-۱

One of the obvious and most important obligations of education in a society that considers itself to be the claimant of the flag of Islam in the world, is to make a double effort in order to realize and excel the religious education of students in different educational levels. Therefore, the current research was conducted with the aim of paying attention to the dimensions of religious education in the education system of Iran. This research has been carried out in a descriptive and analytical method, which has been used to collect information from internal and external research on the need to pay attention to religious education in educational systems. The findings show that due to the current of westernization and cultural invasion that has engulfed most Islamic societies, religious education in schools has faced fundamental challenges. Therefore, it is necessary for teachers to increase the level of their academic ability and skill, according to the content of the lessons, and by including religious and moral concepts and themes in the process of solving the problem, the religious and moral foundations of the students are based on religious construction and evolution. They strengthen and play a more effective role in their training and guidance, and make them flourish and nurture their creativity and capabilities hidden in the truth of their existence.

Keywords : education, religious education, cultural invasion, ethics - ۱-۳